

رویکرد تحلیل محتوای دکترینال و استراتژیک تاریخ در تحلیل کتاب «انسان ۲۵۰ ساله»

* غلامحسین محرمی

** مهدی تابنده

چکیده

رویکرد تحلیل محتوای دکترینال و استراتژیک تاریخ به‌عنوان یکی از روش‌های تحلیل، کمتر در تاریخ مورد استفاده بوده است. در این پژوهش سعی شده است با استفاده از قابلیت‌های فراوان این رویکرد و بر اساس روش تحلیل کیفی، کتاب *انسان ۲۵۰ ساله* حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را که در خصوص تحلیل‌های تاریخ صدر اسلام و تاریخ امامت است مورد سنجش قرار گیرد. این پژوهش سه رهاورد داشت. نخست اینکه قابلیت استفاده از این رویکرد در تحلیل تاریخ و توان مدل‌سازی تاریخی توسط آنرا به اثبات رساند. دوم میزان تسلط بالای رهبر انقلاب در هر سه حوزه تاریخ، دکترینولوژی و علوم استراتژیک آشکار گردید و سوم دکترین‌ها، استراتژی‌ها، تاکتیک‌ها و تکنیک‌های ائمه علیهم‌السلام برای تشکیل حکومت و یا دفاع و گسترش آن از دیدگاه رهبر انقلاب در چارچوب کتاب بیان گردید.

واژگان کلیدی

تحلیل تاریخ، تحلیل دکترینال، تحلیل استراتژیک، انسان ۲۵۰ ساله، آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی).

moharrami47@gmail.com

** دانش‌آموخته کارشناس ارشد انقلاب اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، و مدرس گروه معارف اسلامی (نویسنده مسئول).

tabande30@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۶

*. استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۱

۱. طرح مسئله

رویکرد تحلیل محتوای دکترینال و استراتژیک تاریخ، که اقدام به کشف دکترین‌های حاکم بر واقعه تاریخی می‌کند و سپس راه‌های اجرای آن دکترین را در سه سطح استراتژی، تاکتیک و تکنیک مشخص می‌سازد، یکی از رویکردهایی است که در علم تاریخ می‌تواند راهگشای محققین باشد. در این مقاله سعی نمودیم با استفاده از این رویکرد، کتاب *انسان ۲۵۰ ساله* را که حاصل بیانات آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) درباره تاریخ ائمه علیهم‌السلام است، تحلیل نمائیم. سؤال اصلی این شد که آیا استفاده از این رویکرد در تحلیل تاریخ ممکن است؟ براین اساس سه سؤال فرعی بوجود آمد: نخست، منظور از رویکرد دکترینال و تفکر استراتژیک چیست؟ و دوم، آیا رهبر انقلاب بر ابعاد این رویکرد به‌عنوان یک تحلیلگر تاریخ اشراف دارند؟ و سوم دکترین‌ها و استراتژی‌هایی که در سیره هر معصوم علیهم‌السلام موردنظر رهبر انقلاب است، کدام‌اند؟

در مقاله ابتدا واژگان مورد استفاده و ارتباط میان آن‌ها تعریف و از آن به‌عنوان فرمول تحلیل محتوای کتاب استفاده نمودیم. سپس به بررسی مختصر میزان اشراف رهبر انقلاب بر ادبیات تحلیل محتوای دکترینال و استراتژیک پرداخته و سرانجام با روش تحلیل محتوای کیفی، سطوح اقدام هر یک از معصومین علیهم‌السلام براساس فرمول مشخص و نتایج ارائه گردید.

در بررسی‌های انجام شده به این نتیجه رسیدیم که تاکنون تحقیقی با این سیاق تحلیلی انجام نشده، لذا این مقاله از دو حیث دارای اهمیت است، نخست آنکه تاکنون در تحلیل تاریخ به‌ندرت از روش تحلیل دکترینال و استراتژیک استفاده شده و دوم اینکه درباره ابعاد تاریخ‌نگری آیت‌الله‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) هیچ مطالعه روشمندی صورت نپذیرفته است. فرض حاکم بر این مقاله آن است که با استفاده از این رویکرد می‌توان در تحلیل‌ها نتایج دقیق‌تر و با قابلیت عبرت‌گیری بهتری به دست آورد.

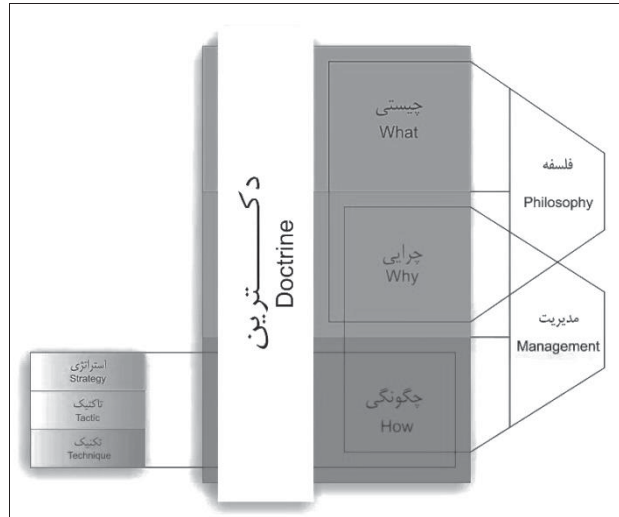
۲. رویکرد تحلیل محتوای دکترینال و استراتژیک

در سیر تفکر سه پرسش وجود دارد: چیستی، چرایی و چگونگی.

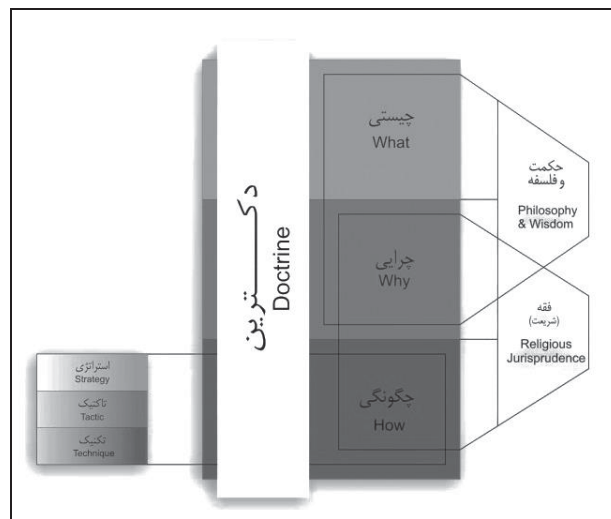
«مورخ علاوه بر چیستی تاریخ باید به‌چرایی و چگونگی بپردازد و آن‌ها را تبیین نماید». (مفتخری، ۱۳۹۰: ۸۶) منظور از چیستی همان «آنچه در واقعیت اتفاق افتاده است» (استنفورد، ۱۳۸۰: ۲۰۳) و یا با کمی اغماض «موجود بما هو موجود» فلسفه (شیروانی، ۱۳۷۰: ۱۷) است. چیستی معلوم می‌کند که هسته مرکزی بحث چیست. «شرح و تبیین اساسی هر چیز مستلزم ارزیابی در خصوص چرایی وقوع آن چیز است و اینکه چرا آن چیز در چارچوب روابط علیّ مفروض با دیگر چیزها رخ می‌دهد». (نوذری،

رویکرد تحلیل محتوای دکترینال و استراتژیک تاریخ در تحلیل کتاب «انسان ۲۵۰ ساله» □ ۳۱

۱۳۷۹: ۲۷۷) چرایی به ما کمک می‌کند تا فایده و دلیل موضوع مورد بحث را بدانیم. سپس نوبت به چگونگی است. چگونگی شامل سه سطح است، استراتژی، تاکتیک و تکنیک. (بوفر، ۱۳۶۹: ۲۵۴)



شکل ۱: ماهیت دکترین در دکترینولوژی مدرن



شکل ۲: ماهیت دکترین در دکترینولوژی اسلامی

استراتژی، ابزاری است که افراد یا سازمان‌ها از طریق آن به اهداف خود دست پیدا می‌کنند. استراتژی بر دستیابی به اهداف خاص تمرکز دارد و شامل تخصیص منابع موجود به اهداف است و اینکه چند تصمیم یا اقدام سازگار، درست یا منسجم برای رسیدن به موفقیت لازم است. برنامه‌ریزی و سپس

پیاپی سازی استراتژی، بزرگترین کار است؛ در واقع استراتژی علم تعریف میدان و آوردن نیروها و امکانات و منابع به میدان است. به تعبیری «استراتژی یعنی چگونه آن را انجام بدهیم؟» (بیلیس، ۱۳۸۲: ۲۳) استراتژی به ما کمک می کند تا کلی ترین راه حل ها را بیان کنیم. این راه حل های کلی در مرحله بعد به وسیله تاکتیک ها و سپس تکنیک ها خرد و خردتر شده و به نقشه اجرایی^۱ تبدیل می شوند.

تاکتیک، علم مدیریت میدان است و «جزئیات روش هایی است که برای اجرای طرح های استراتژیک مورد استفاده قرار می گیرد». (کالینز، ۱۳۸۶: ۴۸۱) در واقع «تاکتیک جزئی از استراتژی است» (علی بابایی، ۱۳۶۹: ۱۶۱) و تکنیک جزئی از تاکتیک. تکنیک علم اقدام در میدان است. یک فرد که در سطح تکنیکی کاری انجام می دهد باید مطمئن باشد که اقدامش هم راستای تاکتیک و استراتژی است و تضادی با آن ها ندارد. استراتژی، تاکتیک و تکنیک نسبت به سطوح اقدام می توانند دچار جابه جایی شوند. مثلاً ممکن است یک تصمیم در یک دوره استراتژی باشد، در دوره دیگر تاکتیک و زمانی هم تکنیک و یا حتی بالعکس. کسی که بتواند سه مرحله استراتژی، تاکتیک و تکنیک را فهمیده و اجرا کند، یک استراتژیست و صاحب اندیشه استراتژیک است.

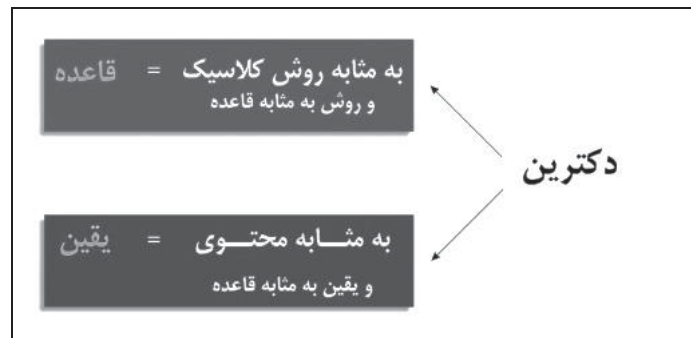
پاسخ به سه پرسش چیستی، چرایی و چگونگی درباره هر پدیده ای، «دکترین» آن پدیده را مشخص می کند. در واقع دکترین، قاعده مبنایی و پایه ای است که تمام رفتارها و ساختارها در هر سه لایه را مدیریت کرده و تحت الامر خود قرار می دهد. تمام تصمیم گیری ها، دستورات، چالش نیروها، استعدادها، امکانات و غیره بر پایه دکترینی است که بر موضوع سایه افکنده و آن را در اختیار خود دارد.

درباره واژه دکترین تعاریف مختلفی وجود دارد: اصول عقاید، (کالینز، ۱۳۸۶: ۴۷۴) قواعد بنیادی که هدایت کننده عملیات در پشتیبانی از سیاست های ملی می باشد، راهنمای سیاست و راهنمای عملیات. (کالینز، ۱۳۸۶: ۴۹۴) در تعریفی دیگر می خوانیم «دکترین عبارت است از مجموع آراء و مبادی فلسفی، آموزشی، دینی و ... که منسوب به یکی از متفکران یا منسوب به یکی از حوزه های تحقیقی باشد». (صلیبا، ۱۳۶۶: ۵۷۷) بنابراین می توان گفت دکترین به مثابه یک تابلوی راهنما به شکل مشخص و ثابت و جزم و قطعی و بدون هیچ شبهه ای، هر چند قوی، فرد معتقد به خود را به سمت نیل به یک هدف هدایت می کند.

رهنامه^۲ اصل، آموزه، یقین، عقیده و قاعده به جای دکترین به کار رفته اند. در عربی دو واژه معادل دکترین داریم: «قاعده» و «یقین». (مجلسی، ۱۳۸۹: ۲۹۳)

1. Action plan.

۲. فرهنگ واژگان مصوب فرهنگستان، دفتر دوم، ذیل سرواژه Doctrine.



شکل ۳: دکترین به مثابه قاعده و یقین

قاعده میراث تمدن بشری است، اما یقین الزاماً از وحی می‌آید و برعکس قاعده غیرقابل تغییر است. کسی که می‌تواند به مسائل از حیث پاسخ به این سؤال‌ها و فهم کامل دکترین آن پدیده بپردازد، به‌عنوان یک دکترینیر^۱ و شخصی که از دکترین معینی حمایت و پشتیبانی می‌کند، (علی‌بابایی، ۱۳۶۹: ۲۷۱) صاحب تفکر دکترینال^۲ است.

بنابراین تحلیل محتوای دکترینال و استراتژیک بدین معناست که برای فهم موضوع ابتدا باید دکترین حاکم بر آن را کشف و سپس استراتژی‌ها، تاکتیک‌ها و تکنیک‌های اعمال شده برای اجرای دکترین را مشخص نمود.

۳. میزان آشنایی رهبر انقلاب با این رویکرد

ایشان کاملاً آگاهانه از این روش استفاده می‌فرمایند و در بیاناتشان می‌توان این آگاهی را مشاهده نمود. «همواره تحقق معجزگون وعده‌های الهی، نشانه امیدبخشی است که تحقق وعده‌های بزرگ‌تر را نوید می‌دهد. حکایت قرآن از دو وعده‌ای که خداوند به مادر موسی داد، نمونه‌ای از این تاکتیک ربوبی است»^۳. یا «گاهی بعضی‌ها به‌عنوان اینکه ما تاکتیک و روش خود را عوض کردیم، اصل راهبرد را دگرگون می‌کنند»^۴. در بیانی دیگر «تخاذ تاکتیک هیچ منافاتی ندارد با اینکه انسان آن راهبرد اساسی را به‌هیچ‌وجه فراموش نکند»^۵. و اینکه «تاکتیکی که ما را از استراتژی دور می‌کند، پیداست که غلط

1. Doctrinaire.
2. Doctrinal.

۳. بیانات ۱۳۹۲/۲/۹.

۴. بیانات ۱۳۸۴/۳/۱۰.

۵. بیانات ۱۳۸۱/۳/۷.

است.^۱ در سخنی دیگر «امروز وحدت برای شما هم تاکتیک و هم استراتژی و هم یک اصل اسلامی است.»^۲ و یا «لازم است برای استراتژی تبلیغی علیه صهیونیست‌ها، یک طراحی بنیادین صورت گیرد. اینکه ما به صورت تاکتیکی در هر موقعیتی بخشی از مظلومیت‌ها را بیان کنیم، کافی نیست. باید یک راهبرد عمومی در دنیای اسلام به صورت مشترک تعیین و عمل شود.»^۳ چراکه «در جمهوری اسلامی مسئله فلسطین یک مسئله تاکتیکی نیست، یک استراتژی سیاسی هم نیست، مسئله عقیده است.»^۴ ایشان در یکی از سخنرانی‌ها از واژه «دکترین» هم استفاده نموده‌اند.^۵ در کتاب *انسان ۲۵۰ ساله* نیز در موارد مختلف از واژه‌های استراتژی^۶ و تاکتیک^۷ استفاده شده است.

بنابراین می‌توان گفت معظم‌له در موضوعات گوناگون ابتدا دکترین حاکم بر آن را کشف و سپس با عناوینی همچون دکترین، اصل، قاعده، عقیده و نظایر آن از آن یاد می‌کنند. سپس به بررسی و ارائه استراتژی برای آن دکترین می‌پردازند و با عناوینی همچون استراتژی و راهبرد از آن یاد کرده و آن را مرحله بعد از دکترین می‌دانند. در ادامه مسیر تاکتیک‌ها (روش‌ها) و ذیل تاکتیک‌ها، تکنیک‌ها را بیان می‌دارند و معتقدند که همه این‌ها به صورت سلسله مراتبی باید از مرحله قبلی خود پشتیبانی کنند و راهنمایی دریافت کنند و اگر این سیر رعایت نشود، عملاً دچار اشتباه خواهیم شد.

اکنون با توجه به مطالب مطرح شده، به سراغ کتاب رفته و در جستجوی دکترین‌ها، استراتژی‌ها، تاکتیک‌ها و تکنیک‌ها مطرح شده در آن هستیم تا مشخص گردد که آیا می‌توان با استفاده از این رویکرد، تاریخ را تحلیل نمود؟

۴. ابعاد دکترینال و استراتژیک کتاب

فرض معظم‌له در کتاب این است که «مهم‌ترین چیزی که در زندگی ائمه علیهم‌السلام مورد توجه قرار نگرفته، عنصر مبارزه حادّ سیاسی است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۷۶) بدین معنا که «زندگی مستمر این عزیزان، با یک جهت‌گیری سیاسی همراه است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۷) این جهت‌گیری سیاسی، نوعی مبارزه و تلاش

۱. بیانات: ۱۳۸۴/۳/۱۰.

۲. بیانات: ۱۳۶۸/۷/۱۱.

۳. بیانات: ۱۳۸۰/۱۱/۱۱.

۴. بیانات: ۱۳۸۸/۱۲/۸.

۵. بیانات: ۱۳۹۱/۶/۹.

۶. ص ۱۶۰ و ۳۰۳.

۷. ص ۱۶، ۲۰، ۲۲۲ و ۲۹۳.

رویکرد تحلیل محتوای دکترینال و استراتژیک تاریخ در تحلیل کتاب «انسان ۲۵۰ ساله» □ ۳۵

سیاسی برای گرفتن حکومت به معنای تشکیل نظام است و از همین منظر باید نزاع میان ائمه علیهم السلام با دستگاه ظلم را تحلیل نمود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۵) ایشان چرایی این مبارزه مستمر را برقراری قسط می‌دانند. در نگاه معظم‌له «لیقوم الناس بالقسط» یک «أبر دکتربین»^۱ است که ائمه علیهم السلام و انبیاء با هر دکتربینی، هدفشان احیای آن است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۴)

در فرض، با انسانی مواجه هستیم که به مدت ۲۵۰ سال یک مسیر را در جهت تحقق قسط طی نموده. بنابراین تمام حرکات ائمه، گویی حرکت یک فرد با یک هدف است که در یک حرکت بلندمدت از راهبردها، تاکتیک‌ها و تکنیک‌هایی استفاده می‌کند که گاهی حتی با هم تضاد ظاهری دارند، نظیر آشتی امام حسن علیه السلام با معاویه و جنگ امام حسین علیه السلام با یزید؛ اما وقتی این اقدامات را در برنامه‌ریزی بلندمدت رصد و تحلیل می‌کنیم، شاهد علم و حکمت و هدف‌داری و یک‌جهتی این رویکردهای بعضاً متضاد در جهت تحقق حکومت علوی و اقامه قسط هستیم.

در نگاه ایشان حدیث «کلُّهم نورٌ واحد» دکتربینی است که از آن نتیجه می‌گیرند که ائمه علیهم السلام در یک مسیر مشخص حرکت می‌کنند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۰)

۱. در مقدمه کتاب **تفکر دکتربینال** بدین صورت است: چپستی مدنظر، «نقشه کلی زندگی ائمه علیهم السلام» است. در چرایی، دلیل شکل‌گیری نقشه را این می‌دانند که «ائمه علیهم السلام بعد از آنکه احساس کردند که هدف پیغمبر برآورده نشد، یعنی یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمہ انجام نگرفت، بعد از آنی که دیدند که تشکیل یک نظام اسلامی بعد از دوران صدر اول بکلی فراموش شد، یک نقشه کلی در زندگی ائمه علیهم السلام به وجود آمد». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۹) که برای چگونگی اجرای آن، دو استراتژی از سوی ائمه علیهم السلام پیگیری شده است: نخست «تبیین اسلام به شکل درست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۰) با دو تاکتیک رد چیزهایی که علمای درباری گفته بودند و بیان حقایق. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۴)

دوم «تبیین مسئله امامت» با سه تاکتیک بیان شرایط امام، معرفی شخص امام و «حرکت زیرزمینی همه‌جانبه به قصد قبضه کردن حکومت». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۳)

بنابراین دکتربین مدنظر ائمه علیهم السلام «انجام اقدام مناسب برای تحقق تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت» است. ایشان تأکید دارند که «اینی که می‌گوییم ائمه، یعنی همه ائمه علیهم السلام». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۰)

چپستی	نقشه زندگی ائمه (برقراری قسط)
چرایی	برآورده‌نشدن هدف پیامبر <small>علیه السلام</small> (قسط)
چگونگی	تبیین اسلام به شکل درست

1. Super Doctrine.

۱. رد تعلیمات علمای درباری	تاکتیک
۲. بیان حقایق	
تبیین مسئله امامت	
۱. بیان شرایط امام	
۲. معرفی شخص امام	تاکتیک
۳. حرکت زیرزمینی	
دکترین معصومین	
۱. حرکت همه‌جانبه برای ایجاد حکومت علوی	
۲. تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت	

۲. در فصل نخست، چپستی، عصر پیامبر ﷺ است. رهبر انقلاب قائلند که اقدامات پیامبر ﷺ بعد «ایجابی» دارد. پیامبر ﷺ به دنبال بوجود آوردن حکومت و جامعه‌سازی اسلامی و الگوسازی آن برای نخستین بار هستند و لذا چیزی را از دست نداده‌اند که اکنون در صدد پس‌گرفتن آن باشند. این نگاه سبب تمایز کامل اقدامات پیامبر ﷺ از ائمه علیهم‌السلام می‌شود.

رهبر انقلاب نخستین دکترین پیامبر ﷺ را «تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت» و دومین دکترین ایشان را «دعوت به حق» می‌داند و چگونگی آن را «یک جهاد مرکب همه‌جانبه دشوار، از اولین لحظه بعثت» بیان می‌کند که پیامبر ﷺ در این راه «دچار تشویش نشد». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۹)

ایشان در بیان پارادایم‌های عصر پیامبر ﷺ، سیزده سال مکه را فصل اول رسالت می‌دانند و استراتژی پیامبر ﷺ در آن را «امت‌سازی» قلمداد می‌کنند «اولین سلول‌های این پیکره اسلامی در همان روزهای دشوار مکه با دست پیامبر ﷺ بنا شد، اولین مؤمنین، سیزده سال گذشت و بعد براساس این پایه‌های مستحکم، بنای جامعه اسلامی گذاشته شد». این استراتژی در فصل دوم که دوران مدینه است، ادامه می‌یابد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۵ - ۳۳)

استراتژی دیگر پیامبر ﷺ مربوط به دوران مدینه است: «نظام‌سازی». این استراتژی برای تحقق دکترین «دعوت به حق» و دکترین سوم که «پیغمبر وارد مدینه شد تا این نظام را سرپا و کامل کند و آن را برای ابد در تاریخ، به‌عنوان نمونه بگذارد». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۷ - ۳۴) انتخاب شد.

نخستین تاکتیک پیغمبر برای استراتژی نظام‌سازی، «تربیت» است که از مکه در قالب استراتژی امت‌سازی آغاز و در دوران نظام‌سازی در مدینه تا پایان عمر پیامبر ﷺ ادامه داشت. دومین تاکتیک پیامبر ﷺ «هجرت» به مدینه است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۷ - ۳۳)

پیامبر ﷺ پس از هجرت از سه تاکتیک برای استراتژی نظام‌سازی در ادامه دو تاکتیک قبلی استفاده می‌کند، سه تاکتیکی که هم‌عرض اجرا شده. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۴۴)

۱-۴. «شالوده‌ریزی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۴۴)

نخستین کار در ساخت هر نظام، تعیین سیستم‌ها و ساختارهای آن نظام است. شالوده‌ریزی به معنای شکل دادن به روابط میان مردم با پیامبر ﷺ و یکدیگر و ساختن زیرساخت‌های مدنظر پیامبر ﷺ در مدینه است. در این باره رهبر انقلاب هفت دکترین تاکتیکی^۱ را مطرح می‌کنند که پیامبر ﷺ مبتنی بر آن‌ها، نظام را ساخت. «ایمان و معنویت»، «قسط و عدل»، «علم و معرفت»، «صفا و اخوت»، «صلاح اخلاقی و رفتاری»، «اقتدار و عزت»، «کار و حرکت و پیشرفت دائمی». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۶)

معظم‌له به عنوان نمونه چهار تکنیک پیامبر ﷺ را ذکر کرده‌اند:

۱. انتخاب خانه ابی‌آیوب «یعنی موضع اجتماعی خودش را مشخص کرد. معلوم شد که این شخص، وابسته به پول و حیثیت قبیله‌ای و... نیست». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۹)

۲. خرید زمین جلوی خانه، «زمین مسجد را از کسی نخواست و طلب بخشیدگی نکرد، آن را با پول خود خرید. با اینکه آن دو بچه، پدر و مدافع نداشتند؛ اما پیغمبر مثل پدر و مدافع آن‌ها، حقشان را تمام و کمال رعایت کرد».

۳. ساخت مسجد «بعد فرمود در این زمین مسجد می‌سازیم، یعنی یک مرکز سیاسی، عبادی، اجتماعی و حکومتی؛ یعنی مرکز تجمع مردم، جایی به عنوان مرکزیت».

۴. فعالیت جسمی «وقتی بنا شد مسجد بسازند، خود پیغمبر جزو اولین کسان بود که آمد بیل را به دست گرفت و شروع به کندن پی مسجد کرد، طوری کار کرد که بعضی از کسانی که کناری نشسته بودند، گفتند ما بنشینیم و پیغمبر این‌طور کار کند؟! لذا آمدند و مسجد را در مدت کوتاهی ساختند». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۴۱)

۲-۴. «حراست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۴۴)

«موجود زندهٔ روبه‌رشد که همهٔ صاحبان قدرت اگر او را بشناسند احساس خطر می‌کنند، دشمن دارد. اگر پیغمبر نتواند در مقابل دشمن، هوشیارانه از این مولود - نظام اسلامی - حراست کند، این نظام از بین خواهد رفت». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۴۴) پس از تبیین چرایی حراست از نظام، رهبر انقلاب دو تکنیک ایجابی و پنج تکنیک سلبی پیامبر ﷺ را برای تاکتیک حراست ذکر می‌کنند.

تکنیک‌های ایجابی شامل ۱. «ایجاد وحدت» در قالب میثاق پیامبر ﷺ «با مخالفان، یهودی‌ها و غیرمسلمان‌ها» در مدینه و ۲. «ایجاد اخوت» میان مسلمانان. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۴۲)

۱. هر سطح برای خود دکترین‌هایی دارد.

تکنیک‌های سلبی شامل ۱. «انواع مواجهه با قبایل اطراف مدینه» که امنیت شهر را تهدید می‌کردند، ۲. «تعرض به مکه» به‌عنوان مرکزیت کفار. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۴۴) ۳. «مدارا و مبارزه فرهنگی با یهودیان مدینه» سپس مجازات، (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۵۰) ۴. «برخورد همراه با ملایمت با منافقان مدینه» و ۵. «مبارزه با تمایلات نفسانی مسلمانان» و تحریض به جهاد اکبر. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۵۳) نکته اینکه رهبر انقلاب در هر جمله دکترین تقابلی^۱ را نیز بیان کرده‌اند.

۳-۴. «تکمیل و سازندگی بنا» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۴۴)

به نظر رهبر انقلاب، تکمیل بنای نظام مربوط به پس از عصر پیامبر ﷺ است و توسط خلیفه ایشان انجام می‌پذیرد. لذا این بُعد را باید در سال آخر عمر پیامبر ﷺ و در حجة‌الوداع جستجو نمود. پیامبر ﷺ برای این تاکتیک از دو تکنیک استفاده نموده‌اند:

۱. «دو سخنرانی از رسول خدا در منا نقل شده است ... در این سخنرانی‌ها رسول خدا همه مطالب عمده‌ای را که مسلمانان باید به آن توجه بکنند، بیان کردند»: (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۵۸)
۲. معرفی امیرالمؤمنین ﷺ به‌عنوان جانشین. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۶۰)

چستی	عصر پیامبر ﷺ
چرایی	برقراری قسط
چگونگی	استراتژی ۱ امت‌سازی
	استراتژی ۲ نظام‌سازی
تاکتیک ۱	تربیت
تاکتیک ۲	هجرت
تاکتیک ۳	شالوده‌ریزی
تکنیک	اقدامات از ورود به مدینه تا ساخت مسجد
تاکتیک ۴	حراست
	۱. عقد اخوت
تکنیک	۲. پیمان وحدت
	۳. مواجهه با ۵ گروه دشمنان
تاکتیک ۵	بسط

۱. دکترینی برای بی‌اثر نمودن دکترین مقابل.

تکنیک	۱. سخنان در منا
	۲. انتخاب جانشین
دکترین معصومین ۱	تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت
دکترین معصومین ۲	دعوت به حق
دکترین معصومین ۳	ساخت نظام الگو

۳. در فصل دوم ایشان به تبیین «دکترین امامت» از منظر اسلام پرداخته‌اند «اسلام شیوه و نسخه‌ی امامت را به بشریت ارائه می‌کند». چپستی اینکه «امامت، یعنی همان اوج معنای مطلوب اداره جامعه» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۶۷) چراکه «امامت سرچشمه‌ی دو جریان است، تفکر درست اسلامی و نظام عادلانه توحیدی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۰۲) با این توضیح که «آمیختگی سه مفهوم رهبری سیاسی، آموزش دینی و تهذیب روحی در خلافت و حکومت اسلام... ناشی از آن است که اسلام در اصل، این سه جنبه را از یکدیگر تفکیک نکرده و به‌عنوان برنامه‌ای از این سه جهت، بر انسان عرضه شده است. پس پیشوایی امت نیز به‌معنای پیشوایی در این سه جهت است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۶۹) ایشان معتقدند که «واژه امامت در فرهنگ اسلامی پیشوایی و رهبری در شئون اجتماعی است؛ چه فکری، چه سیاسی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۶۸) و «دعوی ائمه علیهم‌السلام با بنی‌امیه و بنی‌عباس بر سر همین مسئله امامت بوده» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۶) در تبیین چگونگی ایشان قائلند که «امام» موظف به اقامه امامت است و به همین دلیل «شیعه عقیده دارد امام باید از طرف خدا تعیین شود». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۷۰) و «استراتژی کلی امامت، ایجاد انقلاب توحیدی و علوی است». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۰۳)

چپستی	امامت
جراحی	۱. سرچشمه تفکر درست اسلامی
	۲. سرچشمه نظام توحیدی
چگونگی	امام موظف به اقامه امامت است
استراتژی	ایجاد انقلاب توحیدی

معظم‌له سپس به تبیین «دکترین امام» در تشیع می‌پردازند. در چپستی می‌فرمایند «امام در فرهنگ شیعی رهبر امت است»: (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۷۰) چراکه «امام یک جامعه، همان قدرت فائقه‌ای است که حرکت جمعی و منش فردی افراد جامعه را توجیه و رهبری می‌کند». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۶۹) و به همین دلیل «امام عهده‌دار دو تکلیف است، آموزش مکتب، آنگاه پی‌ریزی و زمینه‌سازی نظام قسط و حق توحید؛ و در صورت وجود چنین نظامی، دوام بخشیدن به آن». ایشان در چگونگی، علاوه بر معرفی

پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین به عنوان الگو، ویژگی‌هایی را نیز برمی‌شمرند که در واقع همان چرایی انتخاب امام نیز هست. امام انسانی است که دلش سرشار از فیض الهی است، دارای شناخت و فهم دین و قدرت عملکرد است، زندگی شخصی برایش حائز اهمیت نیست، اما زندگی و سعادت انسان‌ها برای او همه چیز است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۶۷) رهبر انقلاب در یک جمله دکتربین تقابل دشمن را بیان می‌دارند «خلفای اموی و عباسی در هیچ زمان نتوانستند با نابود کردن امام، جریان امامت را نابود کنند». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۷۷) بدین معنا که هدف دشمن از به شهادت رساندن ائمه علیهم‌السلام نابودی اصل امامت بوده، نه صرفاً نابودی امام. پیش‌تر رهبر انقلاب سه دکتربین را مطرح کردند که در نسبت با دکتربین تقابل دشمن معنا می‌یابد:

۱. کَلِّمُ نُوْرٍ وَّاحِدٍ، (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۰) یعنی هیچ تفاوتی میان ائمه علیهم‌السلام برای طاغوت وجود ندارد؛
۲. همه ائمه علیهم‌السلام به دنبال دکتربین پیامبر ﷺ یعنی تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت هستند؛ (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۹)

۳. اسلام یک ابر دکتربین دارد و آن برقراری قسط است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۴) که تمام دکتربین‌های دیگر ذیل آن تعریف می‌شود.

چیستی امام	
چرایی رهبری امت	
چگونگی اعمال قدرت فائقه بر حرکت جمعی و فردی، آموزگار دین و فرمانروای زندگی	
۱. تبیین مکتب	
۲. ساخت نظام قسط و دوام بخشیدن به آن	
چرایی	۱. دلش سرشار از فیض الهی است
	۲. دارای شناخت و فهم دین
	۳. دارای قدرت عملکرد است
	۴. زندگی شخصی برایش حائز اهمیت نیست
	۵. سعادت انسان‌ها برای او همه چیز است
دکتربین اسلام ۱	برقراری قسط
دکتربین اسلام ۲	کَلِّمُ نُوْرٍ وَّاحِدٍ
دکتربین معصومین <small>علیهم‌السلام</small> ۱	دعوی ائمه <small>علیهم‌السلام</small> با بنی‌امیه و بنی‌عباس بر سر مسئله امامت است.
دکتربین معصومین <small>علیهم‌السلام</small> ۲	تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت
دکتربین طاغوت	بنی‌امیه و بنی‌عباس با نابود کردن امام به دنبال نابودی امامت بودند.

۴. در فصل سوم، هدف معظم‌له در چیستی، بررسی «زندگی امیرالمؤمنین علیه‌السلام» است. چراکه «یکایک

انسان‌های بیدار، در لحظه‌لحظه زندگی امیرالمؤمنین و در ارتباطش با خدا، درس‌های فراموش‌نشده‌ی پیدا می‌کنند». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۸۱) آیت‌الله‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) خط مستمر زندگی امیرالمؤمنین علیه‌السلام را خط ایثار و از خودگذشتگی می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۸۴) و آیه «و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله» (بقره / ۲۰۷) را که در شأن امیرالمؤمنین نازل شده (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ۱۰ / ۲۵۶) دکترین فهمیدن شخصیت امام برمی‌شمرند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۹۳) همچنین تأکید دارند که در شناخت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، از این زاویه دکترینال به تحلیل تاریخ می‌پردازند «من این بُعد را بیان می‌کنم». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۸۳)

رهبر انقلاب در چگونگی می‌فرمایند «برای او، معنای زندگی همین بود که از امکانات خدا داده، از قوت جسمی و روحی و ارادی و کلاً از آنچه که در اختیار اوست، در راه‌اعلای کلمه حق استفاده کند». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۹۳)

معظم‌له در زندگی امیرالمؤمنین علیه‌السلام چهار دوره را با چهار استراتژی مدنظر دارند:

۱. دوران قبل از امامت. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۷۸) با استراتژی «از خودگذشتگی و جهاد فی‌سبیل‌الله». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۸۵)

۲. دوران اول امامت. با استراتژی «سکوت» که با خلافت ابوبکر آغاز و تا جنگ‌های رده (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۸۸) ادامه دارد. رهبر انقلاب این دوره را دوره سکوت امام می‌دانند و چهار دلیل برای چرایی انتخاب این استراتژی مطرح می‌کنند: جلوگیری از رخنه در صفوف اسلام، قابل تحمل بودن زاویه انحراف، مطلع بودن امام از سوی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۷۴) و مهم نبودن مسئله «خود» برای حضرت. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۸۸)

۳. دوران دوم امامت. از جنگ‌های رده تا زمان خلافت. با استراتژی «حضور فعال در همه قضایای مهم اجتماعی» که با وقوع جنگ‌های رده و خطر اضمحلال اسلام همراه است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در چرایی انتخاب این استراتژی، می‌فرمایند: «دیدم عده‌ای از مردم دارند از اسلام برمی‌گردند، می‌خواهند اسلام را از بین ببرند، اینجا دیگر وارد میدان شدم (نهج‌البلاغه نامه ۶۲)». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۸۹)

۴. دوران خلافت. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۹۳) با استراتژی «الگوسازی حکومت دینی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۷۵) که چرایی انتخاب این استراتژی را معظم‌له اثبات اینکه اصول اسلامی در همه شرایط قابل پیاده‌شدن است و اینکه امیرالمؤمنین شاخص‌های حکومت اسلامی را مشخص می‌فرماید و جهت حرکت به سوی این شاخص‌ها را نشان می‌دهد، می‌داند. چه در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که اسلام در اندازه یک شهر است و چه در زمان امیرالمؤمنین که وسعت جغرافیای اسلامی تقریباً تمام مناطق آسیای جنوب غربی و

شمال آفریقا را درنور دیده است. «امیرالمؤمنین علیه السلام شاخص حکومت در یک جامعه پیشرفته، وسیع و ثروتمند مثل زمان ایشان، نسبت به زمان پیغمبر را معین کرد». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۰۲)

چستی	زندگی امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
چربی	وجود درس‌های فراموش ناشدنی
چگونگی	امام از تمام امکانات در راه حق استفاده می‌کند.
	استراتژی ۱ قبل از امامت
	جهاد فی سبیل الله
	استراتژی ۲ دوره نخست امامت
	سکوت
چربی	۱. جلوگیری از رخنه در صفوف اسلام
	۲. قابل تحمل بودن زاویه انحراف
	۳. مطلع بودن امام
	۴. مهم نبودن مسئله «خود»
	استراتژی ۳ دوره دوم امامت
	حضور فعال اجتماعی
چربی	۱. خروج عده‌ای از اسلام
	۲. اقدام عده‌ای برای نابودی اسلام
	استراتژی ۴ دوران خلافت
	الگوسازی حکومت دینی
چربی	۱. اثبات قابل اجرا بودن اصول اسلامی در همه شرایط
	۲. مشخص کردن شاخص‌های حکومت اسلامی
	۳. نشان دادن جهت حرکت به سوی شاخص
	دکترین معصومین <small>علیهم السلام</small> ایثار در راه خدا

۵. در فصل چهارم با موضوع «حضرت فاطمه علیها السلام»، آنچه رهبر انقلاب در تحلیل شخصیت حضرت بیان می‌دارند، بُعد «الگوسازی برای زنان و جوانان» است. «این مقام معنوی در مقابل همه زن‌های عالم است. فاطمه زهرا علیها السلام در قلّه این بلندای عظیم ایستاده و به همه زنان عالم خطاب می‌کند و آن‌ها را به پیمودن این راه دعوت می‌نماید» و یا «به نظر من این برای یک جوان الگوست».

از نظر معظم‌له، اسلام حضرت زهرا علیها السلام را به عنوان «نمونه و اسوه زن» معرفی می‌کند و چرایی آن را این می‌داند که حضرت در اوج ملکوت انسانی هستند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۲۲ - ۱۲۹) بنابراین دکترین رهبر انقلاب در تحلیل زندگی حضرت زهرا علیها السلام «الگوسازی برای جوان و زن مسلمان» است. ایشان در چرایی این دکترین به دو علت مقام معنوی و مقام جهادی و انقلابی و اجتماعی حضرت اشاره دارند. ایشان توضیح مختصری درباره چگونگی مقام معنوی حضرت بیان می‌کنند، اما می‌فرمایند «ما قادر نیستیم که مقامات معنوی فاطمه اطهر علیها السلام را بفهمیم». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۲۳)

در چگونگی مقام جهادی، انقلابی و اجتماعی حضرت، ایشان به سه استراتژی در زندگی حضرت فاطمه علیها السلام اشاره دارند:

۱. رابطه با پدر. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۲۰) و رفتار با شوهر و فرزندان و انجام وظایفشان در خانه.
۲. رفتار سیاسی و جهادی در اجتماع. ۳. رفتار عبادی در مقام بندگی خدا. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۲۵)

چپستی	زندگی حضرت زهرا+
چرای ۱	حضرت در اوج ملکوت انسانی است
چگونگی ۱	قادر نیستیم مقام معنوی حضرت را بفهمیم
چرای ۲	مقام جهادی، انقلابی و اجتماعی
چگونگی ۲	رفتار با خانواده، در اجتماع و رفتار عبادی
دکترین معصومین <small>علیهم السلام</small>	الگو برای جوان و زن مسلمان

۶. در فصل پنجم، رهبر انقلاب توجه ویژه‌ای به آشتی امام حسن علیه السلام با معاویه دارند. از نظر معظم‌له «در این حادثه، قطار تاریخ اسلام و زندگی اسلامی خط عوض کرد». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۴۶) ایشان عصر امام حسن علیه السلام را به دو قطب «حق و باطل» تفکیک می‌کنند و به تبیین دکترینال و استراتژیک هر قطب می‌پردازند.

دکترین جبهه باطل «این بود که قدرت را بدست بگیرد»؛ چراکه «می‌خواست حاکم باشد» بدین گونه که «با هر شیوه‌ای بشود». استراتژی جبهه باطل این بود که «معاویه و گروه فاتح تصمیم گرفت بر محو و تضعیف شخصیت، شخص را حفظ کردند تا شخصیت را نابود کنند». این نکته برای معاویه و جریان فاتح یک «اصل» و دکترین است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۴۷) معاویه برای تحقق استراتژی خود از چهار تاکتیک استفاده می‌کند: قدرت‌نمایی، بهره‌برداری از پول، تبلیغ و سیاسی‌کاری. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۴۹)

رهبر انقلاب برای هر تاکتیک به برخی تکنیک‌ها اشاره کرده‌اند: برای تاکتیک قدرت‌نمایی، کشتن حجر بن عدی و رشید هجری و حاکم کردن زیاد بن ابیه، (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۵۰) برای تاکتیک دوم، پول دادن به سمره بن جندب، (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۵۳) برای تاکتیک تبلیغ، برخورد معاویه با پیرزن و عدی بن حاتم و لعن امیرالمؤمنین علیه السلام در منابر (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۵۰). برای تاکتیک چهارم تکنیکی ذکر نشده. آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین دکترین امام حسن علیه السلام می‌فرماید «امام کاری کرد که جریان اصیل اسلام در مجرای دیگری، جریان پیدا نکند. منتها اگر نه به شکل حکومت، لااقل به شکل نهضت»؛ چراکه «جریان حق، اصالت را می‌دادند به دین. مسئله اصلی این بود که این نظام و این جامعه با حاکمیت دین اداره بشود و افرادی که در این جامعه هستند، ایمان دینی در دلشان باقی بماند» بدین گونه که نزد جریان

حق «قدرت داشتن و حکومت داشتن، مسائل فرعی بود». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۳۷) جریان حق با این نوع نگاه «استراتژی‌شان را این قرار دادند که در میان این فضای بسیار خطرناک، یک جریان حقی را سازماندهی کنند و به‌عنوان ستون اصلی اسلام این جریان را پیش ببرند. حالا که نمی‌توانیم کل جامعه را در پوشش تفکر اسلامی قرار بدهیم، پس بجای روی آوردن به یک جریان رقیق، یک جریان عمیق را در اقلیت نگاه داریم تا تضمین‌کننده حفظ اصالت‌های اسلام باشد». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۶۰) در صفحه ۳۳۳ این استراتژی به شکل کامل‌تری بیان شده «جمع‌آوری نیروهای مطمئن شیعی، حراست آنان از گزند توپخانه‌های اموی، گسترده تفکر اصیل اسلامی در دایره‌ای محدود ولی پر عمق، جذب نیروهای بالقوه و افزودن آنان به جمع شیعیان، انتظار فرصتی مناسب و سرانجام قیام به‌موقع که نظام بنی‌امیه را منفجر ساخته، دوباره نظام اسلامی را جایگزین کند» ایشان سه تاکتیک را برای جریان حق بر می‌شمرند: مقاومت و تحرک قدرتمندانه، تبلیغ، ارزش‌گرایی. برای تاکتیک نخست، امام از تکنیک «زبان‌آوری قوی» و برای تاکتیک دوم از دو تکنیک «بیان حقیقت» و «عدم تملق‌گویی» و برای تاکتیک سوم از دو تکنیک «حفظ ارزش‌ها» و «عقب‌نشینی تا مرز حراست از بقای مکتب» استفاده فرمودند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۵۶)

معظم‌له در انتهای فصل نتیجه حاصل از دکترین‌ها، استراتژی‌ها، تاکتیک‌ها و تکنیک‌های هر دو قطب حق و باطل را این‌گونه بیان می‌دارند که «گروه زورمندان شدند محکومان، و ضعیف‌شمرده‌شدگان شدند فاتحان در ذهنیت جهان اسلام» در واقع «این کار را امام حسن علیه السلام کرد». جریان محدود تشیع را «سازماندهی کرد، که این‌ها تضمین کردند بقای اسلام را». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۶۱)

چیستی	دوران امامت امام حسن ×
دکترین طاغوت	در دست داشتن قدرت
چرایی	می‌خواست حاکم باشد
چگونگی	به هر قیمت
استراتژی	حفظ شخص برای نابودی شخصیت
تاکتیک ۱	قدرت‌نمایی
تکنیک	۱. کشتن افراد
	۲. نصب زیاد
تاکتیک ۲	بهره‌بردن از پول
تکنیک	پول دادن به سمره‌بن جندب
تاکتیک ۳	تبلیغ

تکنیک	۱. برخورد با پیرزن و عدی
	۲. لعن امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
تاکتیک ۴	سیاسی کاری
دکترین معصومین <small>علیهم السلام</small>	جریان اصیل اسلام اگر نه در مجرای حکومت، در مجرای نهضت ادامه پیدا کند.
چرایی	اصالت را به دین می‌داد
چگونگی	داشتن حکومت را فرع بر حفظ دین می‌دانست.
استراتژی	سازماندهی جریان اقلیت عمیق اسلامی، سپس گسترش و نهایتاً جایگزینی نظام اسلامی
تاکتیک ۱	مقاومت و تحرک
تکنیک زبان‌آوری قوی	
تاکتیک ۲	تبلیغ
تکنیک	۱. بیان حقیقت
	۲. عدم تملق‌گویی
تاکتیک ۳	ارزش‌گرایی
تکنیک	۱. حفظ ارزش‌ها
	۲. عقب‌نشینی تا مرز
	۳. حراست از بقای مکتب

۷. در فصل ششم با موضوع امامت امام حسین علیه السلام، دکتربین مدنظر رهبر انقلاب این است که «خطراتی که اسلام را تهدید می‌کند، از قبل از پدید آمدن از طرف پروردگار پیش‌بینی و وسیله مقابله با آن در خود اسلام کار گذاشته شده» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۶۵)

چیستی مدنظر دو خطر «دشمنان خارجی و اضمحلال داخلی» است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۶۵) در توضیح بیشتر چیستی و تبیین چرایی این دو خطر می‌فرمایند: «دشمن خارجی یعنی کسی که از بیرون مرزها، با انواع سلاح‌ها، موجودیت یک نظام را با فکرش و دستگاه زیربنایی عقیدتی‌اش و قوانینش و همه چیزش هدف قرار می‌دهد. از بیرون یعنی چه؟ نه از بیرون کشور، از بیرون نظام؛ ولو در داخل کشور، دشمنانی هستند که خودشان را از نظام بیگانه می‌دانند و با آن مخالفند. این‌ها بیرونند. این‌ها برای اینکه نظامی را نابود کنند و از بین ببرند، تلاش می‌کنند. با شمشیر، با سلاح آتشین، با مدرن‌ترین سلاح‌های مادی، با تبلیغات و پول و هر چه که در اختیارشان باشد. دشمن دوم، آفت اضمحلال درونی است. یعنی در درون نظام؛ که این مال غریبه‌ها نیست، این مال خودی‌هاست. خودی‌ها ممکن است در یک نظام، بر اثر خستگی، بر اثر اشتباه در فهم راه درست، بر اثر مغلوب احساسات نفسانی شدن و بر اثر نگاه کردن به

جلوه‌های مادی و بزرگ انگاشتن آن‌ها، ناگهان در درون، دچار آفت‌زدگی شوند. این، البته خطرش بیشتر از خطر اولی است». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۶۵) رهبر انقلاب قائلند که «هر وقت که نظام جامعه اسلامی دچار یک فساد بنیانی شده و بیم آن است که بکلی احکام اسلام تغییر یابد، هر مسلمانی باید قیام کند». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۸۵) درباره چگونگی بروز خطر اضمحلال درونی در دوره امام حسین علیه السلام رهبر انقلاب پنج عامل را برمی‌شمرند:

۱. شکل‌گیری اشرافیت جدید.
 ۲. افراد با سیمت‌های اسلامی در کارهای ناشایست وارد شدند.
 ۳. شکل‌گیری امتیازات نابحق برای سابقه‌داران اسلام.
 ۴. امتداد این سه، تا دوران خلیفه سوم.
 ۵. انتقال بیماری اخلاقی مسری دنیازدگی و شهوت‌زدگی از فرد به جامعه. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۶۸)
- به همین دلیل دکترین قیام امام حسین علیه السلام این است که «اسلام در ماجرای عاشورا یک الگوی اعلی از جهاد توأمان با دشمنان و نفس ارائه می‌دهد». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۶۷)

چیستی	دشمنان اسلام
چرایی	دشمنان خارجی
چگونگی	از بیرون نظام ولو داخل کشور
چرایی	اضمحلال داخلی
چگونگی	خودی‌ها از درون دچار آفت می‌شوند.
دکترین اسلام	وسیله مقابله با خطراتی که اسلام را تهدید می‌کند، در خود اسلام کار گذاشته شده.

در ادامه، چیستی «قیام سیدالشهدا علیه السلام» است. ایشان درباره چرایی قیام می‌فرمایند «امام حسین علیه السلام قیام کرد تا آن واجب بزرگی را که عبارت از تجدید بنای نظام و جامعه اسلامی یا قیام در مقابل انحرافات بزرگ در جامعه اسلامی است، انجام دهد». در چگونگی هم سه روش قیام، امر به معروف و نهی از منکر ذکر شده. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۸۰)

چیستی	قیام سیدالشهدا <small>علیه السلام</small>
چرایی	تجدید بنای نظام و قیام برابر انحرافات
چگونگی	قیام
	امر به معروف
	نهی از منکر
دکترین معصومین <small>علیهم السلام</small>	الگوی جهاد توأمان با دشمنان و نفس

۸. در فصل هفتم با موضوع حضرت زینب علیها السلام، رهبر انقلاب از چهار زاویه به بیان ابعاد شخصیت حضرت می‌پردازند:

۱. عظمت شخصیت «اولاً موقعیت را شناخت، هم موقعیت قبل از کربلا، هم موقعیت لحظات عاشورا، هم موقعیت حوادث بعد از شهادت امام حسین علیه السلام را و ثانیاً طبق هر موقعیت، یک انتخاب کرد. این انتخاب‌ها زینب علیها السلام را ساخت». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۸۹)

۲. بعد عاطفی شخصیت حضرت، «زینب علیها السلام مثل یک غمخوار، کسی که با بودن او، امام حسین علیه السلام احساس تنهایی و خستگی نمی‌کرد». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۹۰)

۳. عامل پیروزی «اینکه گفته می‌شود در کربلا خون بر شمشیر پیروز شد. عامل این پیروزی حضرت زینب علیها السلام بود». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۹۵)

۴. پیام‌آور انقلاب حسین بن علی علیه السلام. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۰۱)
هرچند در این بیانات ساخت‌یافتگی دکترینال کمتر دیده می‌شود اما نگاه دکترینال رهبر انقلاب، منش حضرت را «الگو برای همه مردان و زنان بزرگ عالم» می‌داند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۹۷)

چیستی	شخصیت حضرت زینب <small>علیها السلام</small>
چرایی	۱. شناخت موقعیت قبل، حین و بعد از عاشورا ۲. انتخاب درست در هر موقعیت
چگونگی	۱. آسیب‌شناس انقلاب ۲. غمخوار امام ۳. عامل پیروزی ۴. پیام‌آور انقلاب
دکترین معصومین <small>علیهم السلام</small> الگو برای مردان و زنان بزرگ	

۹. فصل‌های هفتم تا نهم. معظم‌له دوران امامت امام سجاد علیه السلام را به سه دوره تقسیم می‌کنند: دوره حماسه (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۹۸) «امام سجاد علیه السلام در اینجا خودش نیست، بلکه زبان خاموش حسین علیه السلام باید در سیمای این جوان انقلابی در شام و کوفه تجلی کند. اگر آنجا امام سجاد علیه السلام این چنین برنده و صریح مسائل را بیان نکند، در حقیقت زمینه‌ای برای کار آینده او باقی نمی‌ماند، چون زمینه کار آینده او، خون حسین بن علی علیه السلام بود. نخست باید به مردم هشدار بدهد، سپس در پرتو این هشدار بتواند مخالفت‌های اصولی، عمیق، متین و درازمدت خود را آغاز کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۰۱) این دوره از عاشورا تا ورود امام به مدینه است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۰۲)

دوره کار زیربنایی ملایم «فصل بعدی هنگامی آغاز می‌شود که امام سجاد^{علیه السلام} در مدینه به‌عنوان شهروند محترم، مشغول زندگی می‌شود و کارش را از خانه پیامبر^{صلی الله علیه و آله} و حرم او آغاز می‌کند». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۰۴)

دوره تعرض به دستگاه خلافت «در لابه‌لای کلمات امام سجاد^{علیه السلام} که احتمالاً مربوط به اواخر زندگی و دوران طولانی امامت این بزرگوار می‌باشد، جلوه‌هایی از تعرض با دستگاه خلافت مشاهده می‌شود». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۵۲)

دکترین مدنظر رهبر انقلاب این است که «در کل زندگی امام سجاد^{علیه السلام} ما باید در جستجوی این خط‌مشی اصلی باشیم که امام سجاد^{علیه السلام} درصدد تحقق همان آرمانی بودند که امام حسن^{علیه السلام} و امام حسین^{علیه السلام} آن را دنبال می‌کردند». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۲۲) ایشان می‌فرمایند «برنامه همه امامان این بود که مقدمات را فراهم کنند تا حکومت اسلامی را به‌شيوه‌ای که موردنظرشان بود، بر سر کار آورند». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۲۱) پس دکترین مطالعه دوران امام سجاد^{علیه السلام} را باید «تهیه مقدمات حکومت» دانست. از منظر رهبر انقلاب، امام سجاد^{علیه السلام} یک استراتژی و سه تاکتیک را برای دکترین خود، لحاظ نمودند. استراتژی اینکه «باید دین مردم درست می‌شد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۲۶) و تاکتیک‌های استراتژی. ۱. باید اندیشه درست اسلامی منتشر شود، ۲. مردم نسبت به حقانیت آن کسانی که حکومت باید بدست آن‌ها باشد، آشنا شوند و ۳. ایجاد تشکیلات به‌عنوان محور اصلی کار سیاسی در آینده. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۳۰) آیت‌الله‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در تحلیل دکترینال دوران امامت امام می‌فرمایند «اگر کسی با همین مقدار که من بیان کردم وارد شود در روایاتی که از زبان امام سجاد^{علیه السلام} نقل شده، تمام آن‌ها برایش معنا پیدا می‌کند، یعنی خواهد دید که همه آن اظهارات و برخوردها در یکی از این سه خطی است که اشاره کردیم و این‌ها در کل برای ایجاد حکومت اسلامی است». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۳۲)

معظم‌له به تشریح پنج تکنیک امام می‌پردازند:

۱. «امام^{علیه السلام} چون در دوران اختناق زندگی می‌کردند و نمی‌توانستند مفاهیم موردنظرشان را آشکار بیان کنند، از شیوه دعا استفاده می‌کردند». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۳۳)
۲. بیاناتی که «خطاب به عامه مردم است، از نوع آموزش نیست، از نوع تذکر و یادآوری است. امام در بیان عمومی هم، ناگهان بر روی مسئله امامت تکیه می‌کند». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۴۰ - ۲۳۴)
۳. سخنانی که «خطاب به عده خاص است، که آن عده با دستگاه مخالف بودند و معتقدین به حکومت اهل‌بیت^{علیهم السلام} بودند. در اینجا آن آهنگ اصلی، حفظ آنان و ساختن کادرهای لازم برای آینده است». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۴۱)

۴. تعرض با دستگاه (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۲۲) که بیشتر مربوط به اواخر امامت امام است که روش امام در پیاده‌سازی این تکنیک، خود سه قسم است: بیان موضع و پایگاه خلفای اموی در پوشش تعلیمات معمولی دینی، مکاتبات تعرض آمیز با عبدالملک، اشعار نقل شده از امام و یارانشان. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۵۲ - ۲۵۶)

۵. برخورد با سررشته‌داران فکر و فرهنگ یعنی علما و شعرا. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۶۰)

چیستی	دوران امامت امام سجاد <small>علیه السلام</small>
چرایی	تحقق آرمان ائمه پیشین <small>علیهم السلام</small>
چگونگی	استراتژی درست شدن دین مردم
	تاکتیک
	۱. نشر اندیشه اسلامی
	۲. آگاهی مردم نسبت به حقانیت حکومت ائمه ×
	۳. ایجاد تشکیلات
	تکنیک پنج تکنیک ذکر شده
	دکترین معصومین <small>علیهم السلام</small> تهیه مقدمات حکومت

۱۰ فصل دهم با موضوع امام باقر علیه السلام، جزء فصولی است که معظم‌له به تبیین کامل دشمن نیز پرداخته‌اند. ایشان دکترین بنی‌امیه در این دوره را «تحریف اسلام» دانسته و چرایی آن را اینکه «اگر قرار بود احکام اسلامی و آیات قرآنی همان‌طوری که هست، برای مردم تبیین بشود، امکان ادامه حکومت و زمامداری و قبضه کردن قدرت برای این‌ها نبود، این بود که دست به تحریف زدند». همچنین دو استراتژی بنی‌امیه در چگونگی تحریف اسلام عبارتند از به خدمت گرفتن علمای دین به‌وسیله تطمیع و تهدید، برای آنکه همان چیزی را که موردعلاقه آن‌هاست در بین مردم ترویج کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۷۵) و مطرح نمودن یک مبنای غلط فکری به نفع خود و بنام اسلام و تکرار دائمی در منابع دنیای اسلام برای شکل‌دهی به فکر مردم. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۷۹)

مبنتی بر دشمن در این دوره، آیت‌الله‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) دکترین امام باقر علیه السلام را «مبارزه با تحریف در معارف اسلامی» می‌داند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۷۴) چرایی انتخاب این دکترین توسط امام را باید تقابل با دشمن دانست. در چگونگی، امام باقر علیه السلام از سه استراتژی استفاده نمودند:

۱. مبارزه فرهنگی تا ضمن عوض کردن ذهن مردم، راه برای حکومت الهی هموار و برای حکومت طاغوت مسدود شود. با تکنیک‌های «تبیین قرآن برای مردم». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۷۷) «در هر فرصت با نشان دادن گوشه‌ای از واقعیت تلخ زندگی شیعه، مردم غافل را آماده جهت‌گیری انقلابی می‌سازد».

(خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۸۲) و وصیت برای برگزاری مراسم عزاداری خویش به امام صادق علیه السلام. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۹۳)

۲. موضع‌گیری خصمانه در برابر قدرت‌های فکری و فرهنگی. با تکنیک‌های سخن گفتن با لحن اعتراض‌آمیز با کثیر شاعر و شماتت عکرمه (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۸۱)

۳. ادامه سازماندهی پنهانی شیعیان که از قبل از دوران امام باقر علیه السلام آغاز شده بود، با تکنیک‌های تربیت شاگردان و تبدیل کردن آن‌ها به وکلای امام در سطح جهان اسلام، (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۷۹) بیان سمت کلی حرکت امامت که همان ایجاد حکومت علوی است برای شیعیان، در جهت زنده‌سازی آرمان بزرگ شیعه، برانگیختن احساسات به‌اندازه لازم در میان شیعیان، نوید آینده دلخواه که چندان دورهم نیست و تعیین سال پیروزی. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۹۱)

تاکتیک امام باقر علیه السلام در پیاده‌سازی استراتژی‌های سه‌گانه این است که «از درگیر شدن با قدرت مسلط، در صحنه‌ای حاد و پیکاری رویاروی، اجتناب می‌ورزد». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۹۰)

چیستی	دوران امامت امام باقر <small>علیه السلام</small>
دکترین طاغوت	تحریف اسلام
چرایی	اگر قرار بود احکام و آیات همانطوری که هست تبیین شود، امکان ادامه حکومت برای طاغوت نبود.
چگونگی	استراتژی ۱. به خدمت گرفتن علمای درباری ۲. نشر مبانی غلط فکری به‌نفع خود و به‌نام اسلام برای شکل‌دهی به فکر مردم
دکترین معصومین <small>علیهم السلام</small>	مبارزه با تحریف اسلام
چرایی	تقابل با دکترین طاغوت
چگونگی	استراتژی ۱ مبارزه فرهنگی تکنیک ۱. تبیین قرآن ۲. آماده‌سازی مردم برای گرایش‌های انقلابی ۳. وصیت برگزاری مراسم عزاداری
استراتژی ۲	موضع‌گیری خصمانه در برابر قدرت‌های فرهنگی
تکنیک	برخورد با کثیر و عکرمه
استراتژی ۳	ادامه سازماندهی پنهان شیعه
تکنیک	پنج تکنیک ذکر شده
ناکتیک	اجتناب امام از درگیری حاد با قدرت مسلط

۱۱. در فصل دوازدهم، رهبر انقلاب دوران امام صادق علیه السلام را به دو دوره تقسیم می‌کنند. از سال ۱۱۴ق تا خلافت منصور به مدت ۲۲ سال با استراتژی «قیام‌علنی» و سپس تا شهادت امام به مدت ۱۲ سال با استراتژی «مبارزه مخفیانه‌تر». آیت‌الله‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) دکترین امام را دکترین «امامت» که پیش‌تر در فصل امامت بیان شد، می‌داند. «امام صادق نیز مانند دیگر امامان شیعه، بیت برجسته دعوتش را موضوع امامت تشکیل می‌داده است». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۱۶ - ۳۰۹)

سه تاکتیک در هر دو دوره توسط امام استفاده شده. یک، تبیین و تبلیغ مسئله امامت با ذکر تکنیک سخنرانی امام صادق علیه السلام در روز عرفه (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۱۲) به‌عنوان نمونه. دو، تبلیغ و بیان احکام دین به شیوه فقه شیعی و نیز تفسیر قرآن به روال بینش شیعی با ذکر تکنیک برگزاری درس (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۲۵) و سه، استفاده از تشکیلات پنهان. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۱۶)

چیستی	امامت امام صادق <small>علیه السلام</small>
چگونگی	۱. قیام‌علنی (دوره نخست امامت) استراتژی
	۲. مبارزه مخفیانه‌تر (دوره دوم امامت)
تاکتیک ۱	تبیین و تبلیغ مسئله امامت
	تکنیک سخنان امام در روز عرفه
تاکتیک ۲	تبلیغ احکام و قرآن دین به شیوه بینش شیعی
	تکنیک برگزاری درس فقه و قرآن امام
تاکتیک ۳	استفاده از تشکیلات پنهان
دکترین معصومین <small>علیهم السلام</small>	دکترین امامت

۱۲. در فصل سیزدهم، معظم‌له به تبیین یکی از اقدامات تاکتیکی^۱ ائمه علیهم السلام می‌پردازند. چیستی مدنظر رهبر انقلاب «تشکیلات پنهانی شیعیان» است و چرایی آن را اشاعه اندیشه شیعی در مردم و افزودن بر جمعیت شیعیان به‌عنوان مقدمه‌ای واجب برای تشکیل حکومت علوی بیان می‌دارند. ایشان سپس چگونگی شکل‌گیری تشکیلات را بیان می‌کنند. این جمع در زمان علی علیه السلام - یعنی در فاصله ۲۵ سال میان سقیفه و خلافت- شکل گرفت و شکل‌دهندگان به آن خواص صحابه بودند که معتقد به خلافت بلافصل امام بودند. تاکتیک این جریان این بوده که «اندیشه شیعی را، میان مردم اشاعه می‌داده و تدریجاً بر جمع خود می‌افزودند». چهار تکنیک برای تحقق این تاکتیک از زبان امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است: ۱. پیوند جمعی خدایی، ۲. مقاومت، ۳. نماز و ۴. تقیه. رهبر انقلاب در این فصل دو مقطع

۱. ر. ک: بمقدمه.

زمانی را برای تشکیلات پنهان برمی‌شمرند، نخست تشکیل، از سقیفه تا خلافت و دوم گسترش، از صلح امام حسن علیه السلام به بعد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۳۱ - ۳۳۸)

چیستی	تشکیلات پنهان تشیع
جرایی	اشاعه اندیشه شیعی در مردم و افزودن بر جمعیت شیعیان به‌عنوان مقدمه‌ای واجب برای تشکیل حکومت علوی
چگونگی	تشکیل توسط خواص صحابه در فاصله سقیفه تا خلافت امام علی <small>علیه السلام</small> و گسترش از صلح امام حسن <small>علیه السلام</small> به بعد
	تاکتیک ۱
	پیوند جمعی خدایی
	تاکتیک ۲
	مقاومت
	تاکتیک ۳
	نماز
	تاکتیک ۴
	تقیه

۱۳. در فصل چهاردهم، معظم‌له دکتربین امام کاظم علیه السلام را دکتربین «امامت» بیان می‌دارند «آن رشته مستمری را که از آغاز امامت آن بزرگوار تا لحظه شهادتش مشاهده می‌کنیم، همان خط جهاد و مبارزه ائمه علیهم السلام است که در تمام دوران ۲۵۰ ساله استمرار داشته و هدف از آن، اولاً تبیین اسلام، ثانیاً تبیین امامت و ثالثاً، تلاش برای تشکیل آن جامعه» بوده. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۴۶)

تلاش خستگی‌ناپذیر، جهاد خطیر و تقیه (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۴۴) سه استراتژی امام از دید رهبر انقلاب است. درباره اقدامات تاکتیکی امام ایشان می‌فرمایند «حالا اگر شما سؤال کنید که موسی‌بن‌جعفر علیه السلام وقتی به امامت رسید چطور مبارزه را شروع کرد، چه کار کرد، در این ۳۵ سال چه حوادثی برای موسی‌بن‌جعفر علیه السلام پیش آمد، بنده جواب روشنی ندارم، یک زندگی مدوئی در اختیار نیست». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۴۹) لذا از بیان اقدامات تاکتیکی امام صرف‌نظر و به بیان برخی اقدامات تکنیکی حضرت می‌پردازند و سعی می‌کنند با استفهام تأکیدی به تاکتیک‌های امام کاظم علیه السلام اشاره نمایند.

چیستی	امامت امام کاظم <small>علیه السلام</small>
چگونگی استراتژی	۱. تلاش خستگی‌ناپذیر
	۲. جهاد خطیر
	۳. تقیه
دکتربین معصومین <small>علیهم السلام</small>	دکتربین امامت

۱۴. در فصل پانزدهم با موضوع امام رضا علیه السلام، رهبر انقلاب دوران ۲۰ ساله امامت امام را به دو دوره

تقسیم می‌کنند: دوران ۱۵ ساله امامت امام در زمان هارون الرشید و جنگ امین و مأمون و دوران ۵ ساله حیات امام در زمان خلافت مأمون.

در تشریح دکترین امام ایشان می‌فرمایند «بزرگ‌ترین هنر امام آن بود که توانست درخت تشیع را از گزند توفان حادثه به سلامت بدارد و از پراکندگی و دلسردی یاران پدر مانع شود». استراتژی امام در ۱۵ سال نخست امامتشان، تقیه است. حاصل این استراتژی وضعیت را به مرحله‌ای رسانده بود که به احتمال زیاد جریان تشیع آمادگی برافراشتن پرچم حکومت علوی را داشته. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۶۵)

دوران پنج‌ساله دوم، دوران نبرد پنهانی سیاسی میان امام با مأمون است، که پیروزی یا ناکامی آن می‌توانست سرنوشت تشیع را رقم بزند. دکترین مأمون «ریشه‌کن کردن تشیع» است، لذا استراتژی خود را «دعوت امام از مدینه به خراسان و پیشنهاد الزامی ولایت‌عهدی» قرار داد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۶۷) در چرایی انتخاب استراتژی مأمون، رهبر انقلاب ده دلیل را برمی‌شمرند:

یک. تبدیل مبارزات حادّ شیعیان به فعالیت سیاسی آرام؛

دو. گرفتن عنصر تقیه از جمع مبارز و آشکار کردن تشکیلات پنهان شیعه؛

سه. گرفتن دو ویژگی مظلومیت و قداست از علویان؛

چهار. تخطئه ادعای شیعه مبنی بر غاصبانه بودن خلافت اموی و عباسی و مشروعیت دادن به آن‌ها؛

پنج. نقض ادعای شیعه مبنی بر زهد و پارسایی و بی‌اعتنایی ائمه علیهم‌السلام به دنیا؛

شش. در کنترل قرار دادن امام رضا علیه‌السلام و سران علوی؛

هفت. دور کردن امام از مردم و زدودن رنگ مردمی بودن از امام؛

هشت. کسب وجهه معنوی؛

نه. تبدیل کردن امام به توجیه‌گر خلافت؛

و ده. اهداف دیگر (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۶۸)، که در صورت موفقیت این استراتژی، دکترین مأمون تحقق می‌یافت.

اما استراتژی امام در مقابل مأمون چیست؟ «کنار زدن ماسک تزویر و ریا از چهره مأمون» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۸۴) در چرایی انتخاب این استراتژی می‌فرمایند «در هنگامی که در مقابل قدرت‌های منافق و ریاکار قرار می‌گیریم، باید همت کنیم که هوشیاری مردم را برای مقابله با این قدرت‌ها برانگیزیم. اگر دشمن، صریح و آشکار دشمنی بکند و اگر ادعا و ریاکاری نداشته باشد، کار او آسان‌تر است؛ اما وقتی دشمنی مانند مأمون عباسی چهره‌ای از قداست و طرفداری از اسلام برای خود می‌آراید، شناختن او برای مردم مشکل است». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۷۳) لذا امام رضا علیه‌السلام تمام سعی خود را در معرفی چهره واقعی مأمون قرار می‌دهد. برای تشریح چگونگی اقدام امام، چند تاکتیک و بعضاً تکنیک در کتاب برشمرده شده:

یک. پر کردن فضای مدینه از نارضایتی خویش؛
 دو. رد پیشنهاد ولایت‌عهدی تا زمانی که صریحاً به قتل تهدید شوند؛
 سه. یادآوری دائم اجباری بودن پذیرش ولایت‌عهدی؛
 چهار. گذاشتن شرط عدم دخالت در شئون حکومت؛
 پنج. برملا کردن داعیه امامت شیعی از طریق در اختیار گرفتن تربیون خلافت و کنار گذاشتن تقیه؛
 شش. استفاده از هر فرصتی برای قرارگرفتن در معرض مردم؛
 هفت. در اختیار گرفتن قدرت دستگاه خلافت برای حمایت از تشیع. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۷۷ - ۳۷۲)

چیستی	امامت امام رضا <small>علیه السلام</small>
دکترین معصومین <small>علیهم السلام</small> ۱	حفظ تشیع در جابه‌جایی قدرت میان هارون‌الرشید، مأمون و امین
چگونگی استراتژی	تقیه
دکترین طاغوت	ریشه‌کن کردن تشیع
چگونگی استراتژی	دعوت امام به خراسان و پیشنهاد الزامی ولایت‌عهدی
جرایی	ده دلیل ذکر شده
دکترین معصومین <small>علیهم السلام</small> ۲	عیان ساختن تزویر و ریای مأمون
جرایی	برانگیختن هوشیاری مردم در هنگام مواجهه با قدرت‌های منافق و ریاکار
چگونگی	هفت اقدام امام

۱۵. در فصل شانزدهم که تشریح اقدامات امام جواد علیه السلام، امام هادی علیه السلام و امام عسگری علیه السلام است، درباره امام جواد علیه السلام تنها به استراتژی امام اشاره شده که «کنار زدن ماسک تزویر و ریا از چهره مأمون» است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۸۴) در ادامه استراتژی امام رضا علیه السلام. درباره تاکتیک‌ها و تکنیک‌های امام جواد علیه السلام هیچ اشاره‌ای نشده. درباره امام هادی علیه السلام و امام عسگری علیه السلام نیز صرفاً به توصیف تاریخی دوره ایشان پرداخته و مطالب ساخت‌یافتگی فصول قبلی را ندارد. هرچند آن‌چنان که قبلاً اشاره شد دکترین کلی همه ائمه علیهم السلام دکترین امامت و استراتژی این سه امام معصوم برنامه‌ریزی بلندمدت برای تشکیل حکومت اسلامی بوده است.^۱

چیستی	امامت امام جواد <small>علیه السلام</small>
دکترین معصومین <small>علیهم السلام</small>	۱. عیان ساختن تزویر و ریای مأمون
	۲. امامت

۱ معظم‌له ادوار زندگی سیاسی ائمه را هفت دوره می‌دانند: سکوت، وزارت، خلافت، برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت برای تشکیل حکومت علوی، برنامه‌ریزی میان‌مدت نخست و دوم، برنامه‌ریزی بلندمدت.

چپستی	امامت امام هادی <small>علیه السلام</small> و امام عسگری <small>علیه السلام</small>
دکترین معصومین <small>علیهم السلام</small>	امامت

۱۶. در فصل هفدهم به تبیین دکترین مهدویت پرداخته شده. چپستی موردنظر، وجود منجی و چرایی آن «نجات‌بخشی» و چگونگی آن نیز اینکه «شیعه، با خبرِ مسلّم و قطعی خود، منجی را با نام، خصوصیات و تاریخ تولد می‌شناسد». ایشان سپس به توصیف حرکت حضرت حجت علیه السلام به‌عنوان استمرار حرکت انبیاء و اولیاء پرداخته‌اند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۹۸)

چپستی	وجود منجی
دکترین اسلام	مهدویت
چرایی	نجات‌بخشی
چگونگی	با خبر قطعی

دکترین بعدی این فصل، «انتظار فرج» است. ایشان ضمن تفکیک دو چپستی «انتظار فرج نهایی» و «انتظار فرج»، چرایی انتظار فرج را درس امید و جلوگیری از افسردگی در انسان و چگونگی آن را عمل و آماده‌سازی و تقویت انگیزه می‌دانند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۹۹) چرایی انتظار فرج نهایی را «استقرار حکومت عدل» و چگونگی آن را با ظهور می‌دانند و به تبیین هفت دکترین جامعه مهدوی که قرابت زیادی به هفت دکترین پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه دارد، می‌پردازند:

یک. نابود کردن ریشه‌های ظلم و طغیان؛

دو. بالا رفتن سطح اندیشه علمی و اسلامی انسان؛

سه. استخراج همه نیروهای طبیعی و انسانی؛

چهار. مقدم بودن فضیلت و اخلاق؛

پنج. عدم استفاده از زور و اجبار؛

شش. عدم حاتم‌بخشی حاکمان از کیسه ملت‌ها؛

هفت. مساوات اقتصادی؛

و اینکه «اگر به آیات و روایات مراجعه کنید، خصوصیات بیشتری را هم پیدا می‌کنید». (خامنه‌ای،

۱۳۹۰: ۴۰۸ - ۴۰۴)

چپستی	انتظار فرج
چرایی	درس امید و جلوگیری از افسردگی

چستی	انتظار فرج نهایی
چرایی	استقرار حکومت عدل
چگونگی	ظهور
دکترین معصومین* ^x	هفت دکترین بیان شده

۵. نتیجه

تاریخ همواره پر است از تجربه‌های محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی. رویدادهایی که له یا علیه یک جریان بروز یافته و میراثی شده که به‌وسیله تاریخ به نسل‌های بعد منتقل گردیده. تبیین نقاط ضعف و قوت و تشخیص دوستان و دشمنان ملت‌ها در تاریخ و روش مواجهه با آن‌ها، از کارکردهای تاریخ است. چنین استفاده‌ای البته نیاز به تبخّر در فهم علل، جوانب و نتایج رویدادها دارد. در این مقاله سعی شده از منظر رویکرد تحلیل محتوای دکترینال و استراتژیک به سراغ تاریخ رفته و میزان اثرگذاری این رویکرد را در فهم تاریخ بسنجیم.

بنابراین ابتدا تعریف مختصری از این رویکرد ارائه شد. سپس با فرض اینکه رهبر انقلاب از این رویکرد در تحلیل تاریخ استفاده می‌کنند، اقدام به تحلیل محتوای کیفی کتاب *انسان ۲۵۰ ساله* نمودیم که سه رهاورد داشت. نخست اثبات گردید که می‌توان از این رویکرد در تحلیل تاریخ بهره برد و عبرت گرفت. دوم اینکه با توجه به این موضوع که کتاب، حاصل تحلیل‌های تاریخی رهبر انقلاب است، میزان تسلط ایشان در سه حوزه تاریخ، دکترینولوژی و علوم استراتژیک نمایان شد و سوم اینکه بخشی از دکترین‌ها، استراتژی‌ها، تاکتیک‌ها و تکنیک‌های ائمه علیهم‌السلام برای تشکیل حکومت علوی و یا گسترش آن از دیدگاه معظم‌له کشف گردید. این امر بدین حیث مهم است که رهبر انقلاب در مواجهه با پنج گروه دشمنان انقلاب اسلامی شامل همسایگان متخاصم، کفار، یهود، منافقین و نفسانیات مردم، از آن‌ها بهره می‌برند.

در تحلیل‌های ارائه شده، شاهدیم که رهبر انقلاب برای تحلیل، ابتدا به کشف دکترین حاکم بر هر عصر از اعصار امامت پرداخته و بعد از طریق قرآن، کلام، فقه و حدیث آن دکترین را اثبات می‌کنند. کشف دکترین در تاریخ، مبتنی بر اصول عقاید اسلام صورت گرفته و اگر دکترینی خارج از آن باشد، آن را نمی‌پذیرند و سپس استراتژی‌ها، تاکتیک‌ها و تکنیک‌های مورداستفاده برای اجرای آن دکترین را شرح می‌دهند.

پس از تحلیل محتوای کتاب به این نتیجه رسیدیم این رویکرد کاملاً قابلیت بهره‌برداری، تعمیم‌پذیری و تکرار در زمان‌های دیگر را دارد. به‌عنوان نمونه می‌توان به جمله «رژیم صهیونیستی ۲۵ سال آینده را نخواهید دید» (فرمایشات ۱۳۹۴/۶/۱۸) اشاره نمود، که از تکنیک‌های امام باقر علیه‌السلام است.

در اندیشه دکترینال رهبر، دوران حکومت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیرالمؤمنین علیه‌السلام دوران اثبات توان حکومت‌گری

اسلام است و دورانی است که شاهد «اسلام به شکل حکومت» هستیم، اما سایر ادوار امامت تلاشی است برای تشکیل آن حکومت از طریق «اسلام به شکل نهضت». از نظر ایشان حالت سوم وجود ندارد و شیعیان در یکی از این دو حالت اسلام به شکل «حکومت» یا «نهضت» به سر می‌برند.

سیاق تحلیلی ایشان روایتگر این نکته است که اگر شیعیان در دوران «اسلام به شکل حکومت» بسر می‌برند، چه دشمنانی دارند و چگونه باید از خود دفاع کرده و اقدام به حفظ و بسط شرایط کنند و اگر در دوران «اسلام به شکل نهضت» هستند با چه دشمنانی مواجه بوده و چگونه باید ضمن دفاع از خود، اقدام به ایجاد حکومت علوی نمایند.

دکترین‌های مطرح شده در کتاب قابلیت استفاده امروزی در نهادهای تاریخی، دفاعی، علمی و اندیشکده‌ای ج.ا. ایران را دارد و راهگشای بسیاری از مشکلات است. ایشان فصل‌به‌فصل راجع به ائمه علیهم‌السلام، شرایط و دشمنانشان سخن گفته و راه حل هر امام را برای عبور از آن مشکل و دفاع از جامعه اسلامی مطرح نموده‌اند.

با استفاده از این رویکرد، معظم‌له به یک تفکیک زمانی و تشکیل هفت دوره زمانی برای تحلیل اقدامات ائمه علیهم‌السلام دست‌یافته‌اند. دوران سکوت، وزارت و خلافت امام که هر سه در دوره امیرالمؤمنین واقع شده، دوره حسنین علیهم‌السلام که در یک برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت به دنبال تشکیل حکومت علوی بوده‌اند. دوره امام سجاد علیهم‌السلام، امام باقر علیهم‌السلام و امام صادق علیهم‌السلام تا خلافت منصور در یک برنامه‌ریزی میان‌مدت و مجدداً دوره امام صادق علیهم‌السلام از خلافت منصور تا امام کاظم علیهم‌السلام و امام رضا علیهم‌السلام برنامه میان‌مدت دیگر و امامان بعدی که در یک برنامه بلندمدت به دنبال تشکیل حکومت علوی هستند.

ارائه تعریف دکترینال از مفاهیم نقشه کلی زندگی ائمه علیهم‌السلام، مراحل امت‌سازی تا نظام‌سازی، دکترین‌های حکومت نبوی و مهدوی، دکترین امامت، دکترین امام، دکترین تقابل بنی‌امیه و بنی‌عباس با ائمه علیهم‌السلام، دکترین فهمیدن شخصیت امیرالمؤمنین علیهم‌السلام، دکترین انواع دشمنان نظام اسلامی، دکترین شکل‌گیری اضمحلال درونی نظام اسلامی، دکترین دشمنان حکومت اسلامی در مدینه و دکترین‌های انتظار فرج و انتظار فرج نهایی از بخش‌های برجسته این رویکرد تحلیلی است.

همچنین این رویکرد سبب کشف ادوار تاریخی نیز می‌شود که نمونه‌هایی از آن را در تقسیم‌بندی ادوار زندگی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امیرالمؤمنین علیهم‌السلام، امام سجاد علیهم‌السلام، امام صادق علیهم‌السلام و تقسیم‌بندی هفتگانه ادوار امامت شاهد بودیم.

این پژوهش ابزاری مناسب برای مطالعه کتاب «انسان ۲۵۰ ساله» در اختیار مخاطب و افقی نو در روش تحلیل تاریخ پیش روی پژوهشگران می‌گذارد تا بتوانند نظریات و قوانین علمی جدیدی را تبیین کنند.

مروری اجمالی بر دکترین‌ها و استراتژی‌های مطرح شده در هر موضوع

چیستی	دکترین حاکم بر چیستی	استراتژی استفاده شده در اجرای دکترین
نقشه زندگی ائمه <small>علیهم‌السلام</small>	۱. حرکت همه‌جانبه برای ایجاد حکومت علوی ۲. تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت	۱. تبیین اسلام به شکل درست ۲. تبیین مسئله امامت
عصر پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</small>	۱. تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت ۲. دعوت به حق ۳. ساخت نظام الگو	۱. امت‌سازی ۲. نظام‌سازی
امامت	—	ایجاد انقلاب مهدوی
امام	۱. برقراری قسط (دکترین اسلام) ۲. کُلُّهم نورٌ واحد (دکترین اسلام) ۳. دعوی ائمه <small>علیهم‌السلام</small> با بنی‌امیه و بنی‌عباس بر سر مسئله امامت است. (دکترین معصومین <small>علیهم‌السلام</small>) ۴. تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت (دکترین معصومین <small>علیهم‌السلام</small>) ۵. بنی‌امیه و بنی‌عباس با نابود کردن امام به دنبال نابودی امامت بودند. (دکترین طاغوت)	
زندگی امیرالمؤمنین <small>علیه‌السلام</small>	ایثار در راه خدا	۱. جهاد فی سبیل‌الله ۲. سکوت ۳. حضور فعال اجتماعی ۴. الگوسازی حکومت دینی
زندگی حضرت زهرا <small>علیها‌السلام</small>	الگو برای جوان و زن مسلمان	—
دوران امامت امام حسن <small>علیه‌السلام</small>	در دست داشتن قدرت (دکترین طاغوت) جریان اصیل اسلام اگر نه در مجرای حکومت، در مجرای نهضت ادامه پیدا کند. (دکترین معصومین <small>علیهم‌السلام</small>)	حفظ شخص برای نابودی شخصیت (استراتژی طاغوت) سازماندهی جریان اقلیت عمیق اسلامی، سپس گسترش و نهایتاً جایگزینی نظام اسلامی (استراتژی معصومین <small>علیهم‌السلام</small>)
دشمنان اسلام	وسيله مقابله با خطراتی که اسلام را تهدید می‌کند، در خود اسلام کار گذاشته شده	
قیام سیدالشهدا <small>علیه‌السلام</small>	الگوی جهاد توأمان با دشمنان و نفس	
حضرت زینب <small>علیها‌السلام</small>	الگو برای مردان و زنان بزرگ	
دوران امامت امام سجاد <small>علیه‌السلام</small>	تهیه مقدمات حکومت	درست شدن دین مردم

۱. به خدمت گرفتن علمای درباری (استراتژی طاغوت) ۲. نشر میانی غلط فکری به نفع خود و به نام اسلام برای شکل‌دهی به فکر مردم (استراتژی طاغوت)	تحریف اسلام (دکترین طاغوت)	دوران امامت امام باقر <small>علیه السلام</small>
۱. مبارزه فرهنگی ۲. موضع‌گیری خصمانه در برابر قدرت‌های فرهنگی ۳. ادامه سازماندهی پنهان شیعه	مبارزه با تحریف اسلام (دکترین معصومین <small>علیهم السلام</small>)	دوران امامت امام صادق <small>علیه السلام</small>
۱. قیام علنی ۲. مبارزه مخفیانه‌تر	دکترین امامت	دوران امامت امام صادق <small>علیه السلام</small>
—	—	تشکیلات پنهان تشیع
۱. تلاش خستگی‌ناپذیر ۲. جهاد خطیر ۳. تقیه	دکترین امامت	دوران امامت امام کاظم <small>علیه السلام</small>
تقیه	۱. حفظ تشیع در جابه‌جایی قدرت میان هارون‌الرشید، مأمون و امین ۲. عیان ساختن تزویر و ریای مأمون	دوران امامت امام رضا <small>علیه السلام</small>
دعوت امام به خراسان و پیشنهاد الزامی ولایتعهدی	ریشه‌کن کردن درخت تشیع (دکترین طاغوت)	دوران امامت امام جواد <small>علیه السلام</small>
--	۱. عیان ساختن تزویر و ریای مأمون ۲. دکترین امامت	دوران امامت امام جواد <small>علیه السلام</small>
	دکترین امامت	دوران امامت عسکریین <small>علیهم السلام</small>
	دکترین مهدویت	وجود منجی
—	—	انتظار فرج
۱. نابود کردن ریشه‌های ظلم و طغیان؛ ۲. بالا رفتن سطح اندیشه علمی و اسلامی انسان؛ ۳. استخراج همه نیروهای طبیعی و انسانی؛ ۴. مقدم بودن فضیلت و اخلاق؛ ۵. عدم استفاده از زور و اجبار؛ ۶. عدم حاتم‌بخشی حاکمان از کیسه ملت‌ها؛ ۷. مساوات اقتصادی		انتظار فرج نهایی

۶. منابع و مأخذ

قرآن مجید.

۱. استفورد، مایل، ۱۳۸۰، *درآمدی بر تاریخ پژوهی*، ترجمه صادقی، تهران، سمت.
۲. بوفر، آندره، ۱۹۶۵، *مقدمه‌ای بر استراتژی*، ترجمه کشاورز، ۱۳۶۹، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۳. بلیس، جان و دیگران، بی‌تا، *استراتژی در جهان معاصر*، ترجمه خبیری، ۱۳۸۲، تهران، مؤسسه ابرار معاصر.
۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، *تسنیم*، قم، اسراء، ج ۲، ج ۱۰.
۵. حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۸۹، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران، سمت، ویراست ۲.
۶. حسینی، محمود، ۱۳۷۸، *مفهوم استراتژی در ادبیات مدیریت*، مجتمع آموزش عالی قم، سال اول، ش ۲.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۶۸، *بیانات در دیدار رئیس دولت موقت و رهبران مجاهدین افغانستان*، بنگرید به: <https://khl.ink/f/2195>
۸. خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۸۰، *بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش بین‌المللی رسانه‌های جهان اسلام در حمایت از انتفاضه فلسطین*، بنگرید به: <https://khl.ink/f/3103>
۹. خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۸۱، *بیانات در دیدار نمایندگان مجلس*، بنگرید به: <https://khl.ink/f/3123>
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۸۴، *بیانات در دیدار اعضای ستاد برگزاری مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)*، بنگرید به: <https://khl.ink/f/3294>
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۸۸، *بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در افتتاحیه همایش غزه*، بنگرید به: <https://khl.ink/f/8952>
۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۰، *انسان ۲۵۰ ساله*، بیانات رهبر انقلاب درباره زندگی سیاسی - مبارزاتی ائمه (علیهم‌السلام)، قم، مؤسسه ایمان جهادی، ویرایش ۲.
۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۱، *بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد*، بنگرید به: <https://khl.ink/f/20840>
۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۲، *بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی*، بنگرید به: <https://khl.ink/f/22405>

رویکرد تحلیل محتوای دکترینال و استراتژیک تاریخ در تحلیل کتاب «انسان ۲۵۰ ساله» □ ۶۱

۱۵. شیروانی، علی، ۱۳۷۰، *شرح بدایه الحکمه*، تهران، انتشارات الزهراء.
 ۱۶. صلیبا، جمیل، ۱۹۷۸، *فرهنگ فلسفی*، ترجمه صانعی، ۱۳۶۶، تهران، حکمت.
 ۱۷. علی بابایی، غلامرضا، ۱۳۶۹، *فرهنگ علوم سیاسی*، کتاب اول: واژه‌های سیاسی، تهران، ویس.
 ۱۸. فیض، علیرضا، ۱۳۸۴، *مبانی فقه و اصول*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
 ۱۹. قائم مقامی، جهانگیر، ۱۳۵۸، *روش تحقیق در تاریخ نگاری*، تهران، انتشارات دانشگاه ملی ایران.
 ۲۰. کالینز، جان، ام، ۱۹۷۳، *استراتژی بزرگ (اصول و رویه‌ها)*، ترجمه بایندر، ۱۳۸۶، تهران، وزارت خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
 ۲۱. گروه نویسندگان، ۱۳۸۴، *فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان*، دفتر دوم، تهران، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
 ۲۲. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۸۹، *مرآت‌العقول*، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ج ۵.
 ۲۳. مفتخری، حسین، ۱۳۹۰، *مبانی علم تاریخ*، تهران، سمت.
 ۲۴. ملائی توانی، علیرضا، ۱۳۹۰، *درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ*، تهران، نشر نی.
 ۲۵. نوذری، حسینعلی، ۱۳۷۹، *فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری* تهران، طرح نو.
26. Chandler, A. D, 1962, *Starategy and structure*, MIT Press. F.

